



تحلیل نظری مهاجرت و ارتکاب رفتارهای خسونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهری

هانیه رخسانی‌فرد

دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمود مشفق

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: moshfegh@atu.ac.ir

یاسر شیخویی

دکتری پژوهشگری علوم اجتماعی، مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

چکیده

با توجه به اهمیت پیشگیری از رخداد رفتارهای خسونت‌آمیز در کلان‌شهرها توسط مهاجرین، این تحقیق با هدف بررسی نقش مهاجرت در ارتکاب رفتارهای خسونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهری انجام پذیرفته است. در این تحقیق از روش ترکیبی (آمیخته) استفاده شده است. به‌منظور دستیابی به رفتارهای خسونت‌آمیز مهاجرین و تعداد وقوع آن‌ها از روش تحلیل ثانویه استفاده و برای بخش شناخت فضاهای بی‌دفاع و علل تفاوت در نوع رفتارهای خسونت‌آمیز مهاجرین از مشاهده مشارکتی و همبستگی بهره‌گیری شده است. در این تحقیق ضمن بررسی آرای مطرح نظریه‌پردازی شهری، ۱۲۴ نقطه جرم‌خیز در شهر تهران به‌عنوان مناطق مورد مطالعه مطرح و از تعداد ۳۸۴ نفر بر حسب فرمول کوکران اطلاعات مورد نیاز با پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری گردیده است. طبق یافته‌ها می‌توان گفت که در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری، هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری مؤثرند. بر حسب نوع خسونت‌ها، عوامل اجتماعی بیشتر از عوامل فیزیکی فضاها را برای وقوع مزاحمت توسط مهاجرین بی‌دفاع و نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای وقوع کیف‌قاپی و نزاع و درگیری دارند؛ اما عوامل فیزیکی نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای وقوع سرقت توسط مهاجرین دارند. افرادی که با تحصیلات پایین (بی‌سواد و سیکل) و با مبدأ شهرستان و علت مهاجرت کسب درآمد بیشتر و نوع مهاجرت فردی به کلان‌شهرها مهاجرت می‌کنند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خسونت‌آمیز (سرقت، کیف‌قاپی، مزاحمت و نزاع و درگیری) بوده و با افزایش طول دوره مهاجرتشان (بالتر از ۵ سال) میزان ارتکاب جرم در آن‌ها کاهش پیدا می‌کند و در مجموع جرم سرقت بیشتر از سایر جرائم در مهاجرین رخ می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، فضای بی‌دفاع، رفتارهای خسونت‌آمیز، نظریه‌پردازی شهری.



مقدمه

امروزه با توجه به گسترش بسیاری از ناهنجاری‌ها، بزهکاری‌ها، رفتارهای خشونت‌آمیز، جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای کشور، ارزیابی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر این آسیب‌ها با عنوان مسائل اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه رفتارهای خشونت‌آمیز است که در این میان مهاجر بودن این افراد می‌تواند حائز اهمیت باشد. مهاجرت مشکلات عدیده‌ای را به دنبال دارد؛ جوانان یا خانواده‌ها به انتظار داشتن زندگی بهتر و با امید یافتن کاری مناسب به شهرهای بزرگ روی می‌آورند. در زندگی قبل از مهاجرت مشکلات اندکی دارند ولی با ترک زندگی و آمدن به شهر و کشور دیگر با کوهی از مشکلات مواجه می‌شوند؛ هرچند مهاجران بر اثر جنگ و اشغال نظامی کشور متبوع خود راهی جز مهاجرت نداشته باشد ولی باز هم در کشور مهاجرپذیر غرق در مشکلات فراوان‌تری می‌شود و به کارگری، دستفروشی، شغل پنهان و ... مشغول می‌شوند همچنین عده‌ای که از این راه‌ها به خواسته‌هایشان نمی‌رسند به راه‌های کاذب و خلاف کشیده می‌شوند. از دیدگاه اجتماعی، مکانیسم مهاجرت به این ترتیب است که چون مهاجرین در جامعه به عنوان یک اقلیت مطرح هستند و از طرفی فرهنگ جامعه میزبان با ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها هماهنگی تمام ندارد این تفاوت‌ها و اختلافات پتانسیل‌های فرهنگی با تضادهای اجتماعی و حتی تعارضات اجتماعی منجر شده و فرد متحمل فشارهای اجتماعی زیادی می‌شود. اگرچه گروهی از آنان با ساخت فرهنگی جامعه جدید سازگاری می‌یابند ولی گروهی دیگر که توان سازگاری ندارند در مقابل این فشارها واکنش نشان داده و آن را به جامعه منتقل می‌کنند؛ به عبارت دیگر، به نوعی آن را منعکس می‌نمایند به این معنا که هنجارهای جامعه را نادیده گرفته و دست به هنجارشکنی و احتمالاً خلاف‌کاری و جرم می‌زنند. یکی از مهم‌ترین پیامدهایی که مهاجرت به دنبال دارد حاشیه‌نشینی و انتقال فرهنگ‌های مختلف و به دنبال آن گسترش انواع بزهکاری در شهرهای مقصد مهاجرین است. در این بین مهاجرت به عنوان یکی از عوامل اصلی در تغییر و تحول جمعیت، به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت، آثار سریع و کوتاه مدتی را بر ساختار جمعیت و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق تحت تأثیر به وجود بیاورد. مبحث مهاجرت در شهرها، یکی از بحران‌های موجود و تأثیرگذار در امنیت اجتماعی و بروز اقسام مختلف جرائم و به خصوص رفتارهای خشونت‌آمیز است. همچنین با مشاهده بسیاری از فضاها در سطح کلان‌شهرها می‌توان به سادگی



دریافت که برخی از این فضاها با دارا بودن ویژگی‌هایی مانند نور کم و خارج بودن از دید رهگذاران و همچنین پرت بودن آن‌ها از محل‌های شلوغ عبور و مرور به‌وضوح مستعد وقوع جرم و ناهنجاری‌های مختلف هستند و حتی کاربری مشخص و روشنی برای آن‌ها تعریف نگردیده است و شهروندان نیز تمایل چندانی برای استفاده از آن‌ها برای عبور و مرور و توقف در نزدیکی آن‌ها ندارند ضمن اینکه در بسیاری از مواقع فضای کالبدی شهر و زیبایی مکان‌های شهری را مخدوش نموده‌اند. همچنین امروزه با توجه به گسترش بسیاری از ناهنجاری‌ها، بزهکاری‌ها، جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای کشور می‌توان گفت ارزیابی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر این آسیب‌ها با عنوان مسائل اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده‌ای دارد. از آنجا که امنیت، مؤلفه‌ای اساسی در توسعه و محیط اجتماعی به شمار می‌رود و باید علاوه بر بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی، به جست‌وجوی راه‌های مؤثر در شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و جلوگیری از شکل‌گیری و رشد فضاها یا جرم خیز و بی‌دفاع شهری به‌عنوان مسئله اصلی نیز پرداخت. یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه ویژگی‌های مجرمین رفتارهای خشونت‌آمیز می‌باشد که در این میان مهاجر بودن این افراد می‌تواند حائز اهمیت باشد. با توجه به راهکاری مختلف کاهش جرائم و خشونت‌ها در جامعه به نظر با تأثیرگذاران بر محیط فیزیکی و موقعیت بزهکار با هدف دشوار یا سلب نمودن امکان وقوع جرم و کاستن جاذبه‌های محیطی بزهکار می‌توان از آمار جرائم و بسیاری از آسیب‌ها کاست. فضای بی‌دفاع شهری از جمله فضاهایی هستند که به دلیل ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، فرصت بزهکاری و خشونت در آن‌ها بالاست. این فضاها محصول تعامل پیچیده‌ای هستند که فقدان موانع نمادین و واقعی، عدم تعریف حوزه‌ای مشخص و امکانات نظارتی اعم از طبیعی، اجتماعی و فیزیکی موجب شده میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها قابل توجه باشد. تلاش در جست‌وجوی راه‌های مؤثر در کاهش فضاهای ناامن یا بی‌دفاع شهری به جهت نقش مؤثری است که آن‌گونه فضاها می‌توانند در جامعه و در ایجاد امنیت ایجاد کنند که وجود ناامنی حاصل از این فضاها به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی محقق به‌منظور گسترش امنیت پایدار شهری و ایجاد شهر سالم مطرح است. مطالعه و تعمق در گزارش جرائم مختلف از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز نشان می‌دهد که فضاهای بی‌دفاع در

بروز خشونت‌های شدید، به‌خصوص خشونت‌های پیوسته، یکی از عوامل اساسی هستند. در تعریف رفتارهای خشونت‌آمیز می‌توان عنوان کرد رفتار خشونت‌آمیز به هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان که با انگیزه وارد آوردن آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه باشد اطلاق شده است. محققان رفتار خشونت‌آمیز را کاربرد نیروی فیزیکی یا تهدید به کاربرد آن به نحوی که بتواند لطمات جسمی یا معنوی بر شخص یا اشخاص وارد آورد، تعریف می‌کنند. اینکه افرادی که مرتکب جرائم مختلف از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز به‌ویژه در فضاهای بی‌دفاع شهری می‌گردند دارای چه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد و نوع شغل می‌باشند و این افراد مهاجر بوده یا غیر مهاجر هستند نیز می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. مسلماً دستیابی به اطلاعات دقیق در خصوص مرتکبین رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهری ضمن اینکه می‌تواند به‌عنوان مسئله‌ای اساسی مطرح باشد، کمک شایانی به برنامه‌ریزان و متولیان امنیت شهری خواهد نمود. در این میان مهاجر بودن این افراد و مواردی همچون مبدأ مهاجرت، طول دوره مهاجرت، علت مهاجرت و نوع مهاجرت (فردی، خانوادگی) می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

در شهر تهران طبق آمار نیروی انتظامی، بر اساس جرائم ثبت شده در سال ۱۳۹۸، حدود ۱۱۴ نقطه به‌عنوان فضاهای آلوده و جرم خیز وجود دارند که در این نقاط میزان ارتکاب جرم بسیار زیاد و قابل توجه است که بر اساس اسناد موجود، نیروی انتظامی چهار نوع رفتار خشونت‌آمیز سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری را به‌عنوان بیشترین جرائم ثبت نموده است و اینکه توزیع این جرائم بر اساس ویژگی‌های فضاهای شهری چگونه بوده و مرتکبین این جرائم از افراد مهاجر بوده یا خیر و در صورت مهاجر بودن این افراد، دارای چه ویژگی‌هایی به لحاظ جمعیت شناختی و نوع مهاجرت بوده‌اند می‌تواند به‌عنوان مسئله‌ای مهم مورد بررسی قرار گیرد. فضاهای بی‌دفاع در شهر تهران به علت رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی از یک‌سو و فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی بسیار افزایش یافته است و باعث ایجاد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و گسترش رفتارهای خشونت‌آمیز متعددی گشته است. حال با توجه به عدم وجود رهیافت‌های مناسب و برنامه‌ریزی‌های مدون برای کاهش چنین فضاهایی در سطح شهر تهران و همچنین توجه به مطالب ذکر شده در خصوص آمار بالای برخی از جرائم در این فضاها، وجود روابط احتمالی بین وقوع رفتارهای خشونت‌آمیز و فضاهایی در سطح شهر که در قالب فضاهای بی‌دفاع قابل



تعریف هستند و تحلیل و تبیین جمعیت‌شناختی مرتکبین این جرائم با رویکرد به مهاجرت به‌عنوان مسئله‌ای قابل بررسی در این پژوهش مطرح می‌باشد؛ بنابر این در این تحقیق مسئله اصلی تبیین جمعیت‌شناختی ارتکاب جرم در فضاهای بی‌دفاع شهری با تأکید بر مهاجرت می‌باشد.

۱. چهارچوب نظری

«رابرت ازرا پارک»^۱ بنیان‌گذار مکتب شیکاگو در جامعه‌شناسی شهری معتقد بود که سازمان و بستری که شهر نام گرفته است و در پی پاسخ به نیازهای ساکنین، پا به عرصه وجود نهاده، خود پس از شکل‌گیری به‌مثابه عنصری خارجی بر ساکنین تحمیل می‌شود و بر اساس طرح و علایق نهفته در خود به ساکنین شکل می‌بخشد (پیران، ۱۳۶۹: ۲۹). ارتباط بین شهر و جرم از آن روست که ویژگی‌های فضایی، محیطی شهر می‌تواند پرورش‌دهنده جرائم خاصی باشد. برای مثال برخی خیابان‌ها می‌توانند شاهد بروز خشونت‌های خیابانی^۲ باشند. محلات خاصی از شهر با توجه به تراکم جمعیتی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین آن می‌توانند باعث شکل‌گیری گروه‌های سازمان‌یافته‌ای از مجرمین شوند و یا محل تمرکز و سکونت مهاجرین شهری، ترافیک سنگین شهر، ایستگاه‌های خلوت و بی‌کنترل شهری، کلپ‌های شبانه در شهرهای بزرگ و ... می‌توانند زمینه‌های مستعدی برای رشد جرائم به‌حساب آیند (نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵: ۴۳). از جمله دیگر اندیشمندانی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در خصوص ارتباط بین فضا و ناامنی به نظریه‌پردازی پرداخته، «اسکار نیومن»^۳ است. او نظریه فضای قابل دفاع را به‌عنوان ابزاری جهت کاهش جرم در نواحی شهری ارائه داد. او معتقد بود فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن‌ها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند، پتانسیل کم‌تری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند. نیومن نظریه خود را در سال ۱۹۷۳ در قالب کتاب «فضای قابل دفاع؛ مردم و طراحی در شهر پرخشونت» بسط داده و می‌پروراند. از نظر نیومن فضای قابل دفاع، اصطلاح جایگزینی است برای دامنه‌ای از مکانیسم‌ها (موانع واقعی و نمادین که تحت عنوان حوزه‌های نفوذ تعریف

1. Robert Ezra Park

2. Street violence

3. Oscar Newman

می‌شوند و فرصت‌هایی را برای نظارت خلق می‌کنند) که با هم ترکیب می‌شوند تا محیط را تحت کنترل ساکنینش درآورند.

نیومن در توضیح مقدمات نظریه «فضای قابل دفاع» از طراحی محیطی ساختمان‌ها به‌عنوان عامل مسبب برای تبیین تفاوت‌های موجود در نرخ‌های جرم در دو پروژه عظیم مسکن مشابه در آمریکا نام می‌برد. او اظهار می‌دارد که «شکل فیزیکی محیط شهری احتمالاً پشتیبان سرسختی برای جرم‌خیزی است که در قربانی شدن جامعه نقش دارد» (نیومن، ۱۹۹۳: ۲) و عناصر مختلفی در این پشتیبانی مؤثر هستند. مهم‌ترین این عناصر عبارت‌اند از:

- ❖ قابلیت محیط فیزیکی برای ایجاد قلمروهای ادراک شده تأثیر محلی؛
- ❖ قابلیت طراحی فیزیکی در ایجاد فرصت‌های نظارت برای ساکنین و کارگزارانشان؛
- ❖ قابلیت طراحی برای تأثیرگذاری بر برداشت از منحصربه‌فرد بودن، ایزوله بودن و بدنام بودن پروژه؛

❖ تأثیر مجاورت جغرافیایی نواحی امن بر روی امنیت نواحی مجاور.

عناصر چهارگانه فضای قابل دفاع می‌توانند عرق نهفته به محله و احساس ساکنین به اجتماع را به مسئولیتی الزام‌آور در قبال تأمین امنیت و ارتقای محله امن، مولد و خوب نگهداری شده تبدیل کند (کوزنس و همکاران^۱، ۲۰۰۲: ۸).

بدین‌سان کوزنس در مقام تحلیل‌گر امنیت در فضاهای عمومی شهر از ترکیبی از متغیرهای محیطی (کالبدی) و اجتماعی برای توضیح آن بهره می‌گیرد. «جین جیکوبز»^۲ نظریه‌پرداز بزرگ شهری (۱۹۶۱)، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به‌عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند. وی ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به‌عنوان مؤلفه‌هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند. این عامل که در قالب تئوری چشم‌های خیابان مطرح شده است به معنای نظارت به‌وسیله خود مردم بر فضای شهری به‌صورت غیر رسمی می‌باشد.



مردم وقتی در معرض دید هستند و یا صدایشان شنیده می‌شود، احساس امنیت بیشتری دارند این یک اصل کلی است که همه توسعه‌های جدید باید طوری طراحی شوند که فرصت‌هایی را برای مراقبت طبیعی افزایش بدهند. در قلمروسازی صحبت از انواع فضا (خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی) به میان می‌آید و در این فضاها باید مسئولیت هر نفر مشخص گردد تا بتواند به نقش خود مبنی بر دفاع از آن اقدام نماید. قلمرو گرایی به دنبال ارتقای حس تعلق ساکنان تا حد علاقه‌مندی به دفاع از محیط در برابر متجاوزان است. قلمرو گرایی می‌تواند به دو صورت واقعی (مانند حصار کشیدن) و نمادین (مانند نصب تابلو) باشد. ایده اصلی تأثیر فضاها در خشونت و پیشگیری از خشونت از طریق تغییر فضا برای نخستین بار از سوی نیومن و جیکوبز شکل گرفت. از نظر آن‌ها پیشگیری از خشونت توسط ایجاد تغییرات در فضاهای شهری را می‌توان طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود، تعریف کرد. این تئوری مبتنی بر این اندیشه است که رفتار انسانی دارای بُعد فضایی است و در یک محیط فیزیکی و اجتماعی رخ می‌دهد. این تئوری تأکید می‌کند که با طراحی مناسب، بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، تعریفی مشخص و واضح از محیط و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان از وقوع خشونت جلوگیری کرد (تبریزی و قهرمانی، ۱۳۹۰: ۵۳). به عقیده جان لنگ (نظریه‌پرداز شهری) قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی‌اند؛ «محیط فیزیکی» که ساختاری کالبدی است، مرکب از سطوح مرتبط به هم و متشکل در الگوهایی خاص که فضاهای باز و سبز، ساختمان‌ها، اتاق و چیدمان فضا را تشکیل می‌دهند و «الگوی شاخص رفتار» که در آن رفتار فضایی مردم تا حدودی تحت تأثیر تصاویر ذهنی از ساختار محیط است. ساختار محیط به میزان زیادی بر جهت‌یابی مردم در میان ساختمان‌ها، محله‌ها و شهرها اثر می‌گذارد. مسیریابی در بعضی از محیط‌ها آسان‌تر از محیط‌های دیگر است و جنبه‌های اجتماعی و روانی جهت‌یابی، عوامل مهمی در احساس امنیت فردی هستند (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

به نظر دیوید چپمن، فضاها معمولاً زمانی تأثیرگذارترند که به روشنی تعریف شده باشند، چرا که فضاهای تعریف شده در نوع تجربه فضا و احساسات امنیت مشارکت دارند. وی فضاهای شهری تعریف شده را دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی و مجرد بودن و احساس محصوریت می‌داند تا بتوانند امنیت و احساس امنیت ایجاد کنند. یکی از نظریه‌پردازانی که بر ابعاد اجتماعی

فضاهای بی‌دفاع تأکید دارد، پیتر دیکنز است. به نظر وی محل، محیط فیزیکی است که در آن تعامل رخ می‌دهد و فضایی است که برای کاربرد خاصی تعبیه شده است. به عقیده وی، فضای فیزیکی در تأثیر بر زندگی مردم و مواجهه آن‌ها با روابط و فرایندهای اجتماعی بسیار مهم است. محیط اطراف مردم به وسیله نظام‌های اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. در اندیشه دیکنز فاصله‌های فیزیکی بین مردم و تخصیص فضاهای فیزیکی به انواع خاص فعالیت‌های اجتماعی، تأثیراتی بر فرایندها و روابط اجتماعی دارد. فضاهای مختلف برای فعالیت‌های خاص به لحاظ اجتماعی تخصیص می‌یابند. محله حامل نمادها و معانی اجتماعی مقبولند که به‌طور قابل ملاحظه‌ای روابط اجتماعی را متأثر می‌سازند (ترانسیک، ۱۹۸۶: ۱۱۸-۲۰۰).

«آرکلارک» خیابان‌های مناطق فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت، خانه‌های خالی، مکان‌هایی که سابقه خشونت و وندالیسم در آن‌ها بوده و بالاخره اشیاء و موضوع‌هایی که قبلاً در معرض تخریب قرار گرفته‌اند را فضاهایی می‌داند که احتمال بیشتری دارد خشونت و جرائم در آن‌ها رخ دهد (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۶۹).

۲. جرم‌شناسی مهاجرین در فضاهای بی‌دفاع شهری

در مهم‌ترین نظریه‌ای که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه محافل علمی قرار گرفت و اولین دیدگاه نظری حرکت‌های جغرافیایی انسان‌ها در جوامع تحت عنوان مدل‌های جاذبه و دافعه ارائه گردید. به‌طور کلی به دو دسته عوامل توجه داشته‌اند؛ ۱. عواملی که باعث دافعه انسان‌ها از محل اسکان خود (منطقه مبدأ) شده است؛ ۲. عواملی که باعث جذب آن‌ها در منطقه مقصد می‌گردد.

بر اساس این نظریه، عوامل اقتصادی - فیزیکی نامناسب در یک مکان موجب می‌شود که افراد محل زندگی خود را ترک کرده و به مکان دیگری که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی در شرایط بهتری هستند، نقل مکان کنند. مدل‌های روانشتاین، مدل اورت اس. لی، زیمپ و استافر، نظریه لاوری و راجز در زمینه مهاجرت بر اساس این نظریه ارائه گردیده است و همواره مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار داشته است. البته چنین نظریاتی کنش متقابل مهاجران و پیامدهای ناشی از مهاجرت را مورد توجه قرار ندادند. ولی در هر حال این‌گونه نظریات توانستند به‌عنوان نظریات راهگشا، مسیر را برای نظریه‌پردازی و پژوهش در زمینه مهاجرت هموار سازند (لوئیس، ۱۳۷۹: ۹۲).



در نظریه محرومیت نسبی نیز مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت‌های نسبی می‌باشد. در واقع، وقتی فرد یا جمع نتواند به هدف‌های باارزش در داخل سازمان اجتماعی خود دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی او وجود دارد، در آن صورت مهاجرت می‌کند. در اینجا فرد با دو سازمان اجتماعی روبه‌رو است؛ یکی سازمانی که در آن پرورش‌یافته اما احساس می‌کند که در آن از فرصت‌های لازم برای رسیدن به هدف‌های با ارزش خود محروم است، دیگری سازمانی که شاید فقط به‌طور مبهم آن را می‌شناسد، اما احساس می‌کند که در آنجا به منابع لازم برای رفع محرومیت‌های خود دسترسی می‌یابد. در این حالت مهاجرت در عین اینکه نتیجه برخی نارسایی‌ها که در کارکرد یک سازمان اجتماعی است، اما سلسله‌ای از تغییرات را در کل سازمان اجتماعی برمی‌انگیزد. مهاجرت پدیده‌ای است که سازمان اجتماعی مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تا ربع سوم قرن بیستم، توسعه نظری مفهوم «بی‌هنجاری» و «بی‌سازمانی اجتماعی» توسط دورکیم (۱۸۷۸)، پارک و برگس (۱۹۲۷)، پارسونز (۱۹۴۲) و مرتن (۱۹۵۷)، به مطالعات محیط اروپایی و آمریکایی در تبیین جرم و بزهکاری کمک کرد. مطالعات این صاحب‌نظران، همبستگی معناداری را میان رفتار انحرافی و عواملی همچون سن، جنس، تراکم و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب نشان داد. به اعتقاد این محققان، عوامل اجتماعی، افراد را کنترل می‌کنند ولی هنگامی که این عوامل بی‌ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند و فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). مرتن در این باره می‌نویسد: «رفتاری که از نظر اجتماعی منحرف است، همان‌قدر محصول ساختار اجتماعی است که رفتار هم سو و هم‌خوان با هنجارهای اجتماعی» (دوج و کراوس، ۱۳۸۶: ۲۱۲). به‌طور کلی اساس این نظریه‌ها آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرایندهای رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی، قادر به خودتنظیمی مؤثر نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی از ساکنان به‌طور طولانی‌مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد؛ زیرا این اجتماعات بی‌سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به این دلیل که آن‌ها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و یا توافقات سلسله مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ کنند

(بیات، شرافتی‌پور و عبدی، ۱۳۸۷: ۷۵). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، جامعه را یک نظام پیچیده و پویا می‌داند که بخش‌های مختلف آن از طریق قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می‌شوند و هنگامی که مسئله‌ای یک بخش از نظام را تغییر می‌دهد، سایر بخش‌های آن نیز باید خود را با آن بخش هماهنگ و سازگار کنند. از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. چنان‌که طلاق، جنایت، جنگ، خودکشی، اعتیاد، خشونت، الکلیسم و سایر مسائل اجتماعی از این نگاه برآیند گسیختگی مناسبات هنجارین مردمی است که جامعه، ثبات و استمرار خود را مدیون آن‌هاست. به سخن دیگر، آشکال گوناگون نابهنجاری، نتیجه دگرگونی و گسیختگی قوانین نظام بخش و سازمان دهنده‌ای است که قبلاً وجود داشته‌اند؛ ولی به واسطه تغییرات نابهنجار اجتماعی، واژگون شده و سپس به وجود آورنده انحراف شده‌اند (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳۸). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارایی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیده‌های خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی، همچنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پی آمد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به‌سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرائمی مانند قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). همچنین این نظریه‌ها قریب به اتفاق مسائل اجتماعی را محصول انهدام سنن، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان قواعد متنوع رفتاری در سطح جامعه می‌داند. مهم‌ترین ایرادات وارد شده به این نظریه‌ها آن است که بیشتر به توسعه تبیین‌های نظری انحراف پرداخته‌اند تا به اصلاح اجتماعی و اغلب به فقدان روحیه جمعی در مسائل حوزه‌های حاشیه شهری اشاره دارند (رجبی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۲).

هریس اصطلاح سفرهای مجرمانه را برای ارتکاب جرم توسط مهاجرین به کار می‌برد و وایت (۱۹۳۲) عنوان می‌کند که در سفرهای مجرمانه برای ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز تفاوت در نوع جرم وجود دارد و برای ارتکاب جرائم علیه اموال (سرقت) مسافت دورتری به نسبت سفرهای مجرمانه علیه اشخاص (مزاحمت و درگیری) طی می‌شود (وایت، ۱۹۳۲: ۴۵۰).

تورنر عنوان می‌کند که سفرهای مجرمانه با فاصله گرفتن از محل سکونت مجرمین کاهش می‌یابد. ویلسون و کینگ نیز با ارائه نظریه پنجره‌های شکسته معتقدند که عدم مراقبت عمومی و به‌هم‌ریختگی محیطی و وجود رفتارهای بی‌ادبانه در این مکان‌ها توسط مهاجرین موجب افزایش جرم می‌شود.



شاو و مک کی در بررسی ارتباط بین مهاجرت و وقوع جرم دریافتند که جریان استقرار یافتن مهاجران در یک کشور جدید با سطوح بالایی از هرج و مرج و کشمکش همراه بوده و مشخصه تمامی اجتماع‌های آنان، وجود وضعیتی پایدار از تغییر، بی‌ثباتی و بی‌سازمانی اجتماعی است. شاو و مک کی همچنین بیان داشتند اینکه جرم با محله‌های خاصی پیوند خورده است و همچنین اینکه منشأ آن، جریانی دَوَرانی (انتقال جامعه از سازماندهی اجتماعی آغازین به وضعیت بی‌سازمانی و سپس ایجاد سازماندهی مجدد) از تغییرات اجتماعی است (وایت و هینز، ۲۰۱۴: ۱۵۲).

شاو نتیجه گرفت که بزهکاری و دیگر مشکلات اجتماعی به‌طور تنگاتنگی با فرایند هجوم، چیرگی و جانیشینی (این فرایند اصطلاحی است که زیست‌بوم‌شناسان به کار می‌برند) که الگوهای رشد هم کانون شهر را تعیین می‌کند، مرتبط است. هنگامی که یک محل ویژه در شهر از سوی ساکنان مورد هجوم قرار می‌گیرد، روابط نمادین تثبیت شده‌ای که آن محل را به یک حوزه طبیعی پیوند می‌دهد، از بین می‌رود. در نتیجه بر اثر مجموعه گسترده‌ای از مشکلات اجتماعی، تغییر سریع جمعیت دچار آشفتگی و سازمان‌های اجتماعی رسمی هر محله به‌موازات پس کشیدن جمعیت اولیه، از هم پاشیده می‌شود. بدین معنا که هجوم مهاجران به هر محله‌ای به‌مرور موجب تقابل با ساکنان پیشین خواهد شد و همین عاملی برای بی‌سازمانی اجتماعی و آشفتگی اجتماعی خواهد گردید.

۳. توصیف وقوع رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع

با توجه به تحلیل ثانویه انجام شده از اسناد و مدارک موجود در خصوص رفتارهای خشونت‌آمیز در شهر تهران و در ۱۶ نقطه مورد بررسی و پرونده‌های قضایی تشکیل شده در این زمینه در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ و اوایل سال ۱۳۹۸ همچنین با توجه به مشاهدات مشارکتی محقق و گردآوری اطلاعات میدانی از این ۱۶ نقطه جرم خیز و بررسی ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی آن‌ها یافته‌های زیر به دست آمده است.

در نتیجه بررسی‌های به عمل آمده با مشاهده فضاها می‌توان عنوان نمود که فضاهای بی‌دفاع شهری در تهران دارای دو دسته ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی اصلی به شرح جدول زیر می‌باشند:

جدول ۱: ویژگی فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع شهری در تهران

ویژگی فیزیکی فضای بی‌دفاع	ویژگی اجتماعی فضای بی‌دفاع
❖ ساختمان‌های مخروبه	❖ کم بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم
❖ رؤیت بصری محدود شده	❖ وجود ایستگاه‌های تاکسی
❖ ضعیف بودن ارتباط با فضاهای مجاور	❖ نبود مأمور انتظامی
❖ وجود کنج و گوشه	❖ وجود پارک و شهر بازی
❖ کمبود و فقدان نور و روشنایی	❖ بی‌نظمی فعالیتی
❖ متروکه بودن	❖ خلوت بودن
❖ کم بودن ساختمان	❖ وجود مراکز خرید (بازارچه) شهرداری
❖ توالی و امتداد	❖ وجود مترو
❖ نداشتن علائم و تابلوهای شناسایی	❖ وجود ایستگاه‌های اتوبوس
❖ ساختمان‌های نیمه کاره	❖ وجود ازدحام جمعیت
❖ فرصت‌های نظارت و کنترل محدود	❖ شلوغ بودن
❖ پیچ و خم	❖ وجود دانشگاه‌ها
❖ نقاط فرو رفته و برآمده	❖ نبود مستمر افراد
❖ تناسب ضعیف فیزیکی	❖ تراکم فعالیت‌ها
❖ عدم تفکیک فضای عمومی و خصوصی	❖ وجود سازمان‌های دولتی
❖ محاط بودگی و محصوریت	❖ وجود مدارس
❖ مجاورت با فضاهای نمایان	❖ وجود مراکز درمانی
❖ تراکم ساختمانی	❖ کمی ارتباط مردم با فضا
❖ نداشتن مرز و محدوده مشخص	
❖ بی‌نظمی فیزیکی	

بر اساس اطلاعات گردآوری شده و تحلیل‌های صورت گرفته، دسته‌بندی ویژگی فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع یا جرم خیز در تهران بر حسب نوع رفتارهای خشونت‌آمیز به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۲: ویژگی فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع شهری در تهران و نوع رفتار خشونت‌آمیز

ویژگی‌های فیزیکی	رفتار خشونت‌آمیز	ویژگی‌های اجتماعی	رفتار خشونت‌آمیز
ساختمان‌های مخروبه	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	وجود ازدحام جمعیت	نزاع و درگیری - سرقت
ساختمان‌های نیمه کاره	نزاع و درگیری - سرقت	شلوغ بودن	نزاع و درگیری - سرقت



ویژگی‌های فیزیکی	رفتار خشونت‌آمیز	ویژگی‌های اجتماعی	رفتار خشونت‌آمیز
رؤیت بصری محدود شده	کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	خلوت بودن	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - مزاحمت
بی‌نظمی فیزیکی	سرقت	کم بودن قابلیت‌های نظارت و کنترل از سوی مردم	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت
فرصت‌های نظارت و کنترل محدود	کیف‌قاپی - سرقت	کمی ارتباط مردم با فضا	کیف‌قاپی
کنج و گوشه	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	خالی بودن از حضور انسان	کیف‌قاپی - مزاحمت
پیچ و خم	نزاع و درگیری - مزاحمت	نبود مستمر افراد	کیف‌قاپی - مزاحمت
محاط بودگی و محصوریت	نزاع و درگیری	نبود مأمور انتظامی	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت
مجاورت با فضاهای نمایان	نزاع و درگیری	تراکم فعالیت‌ها	نزاع و درگیری - سرقت
تراکم ساختمانی	مزاحمت	بی‌نظمی فعالیتی	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت
کم بودن ساختمان	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت	وجود مراکز خرید (بازارچه) شهرداری	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت
نداشتن مرز و محدوده مشخص	کیف‌قاپی	وجود مدارس	مزاحمت
توالی و امتداد	کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	وجود دانشگاه‌ها	سرقت - مزاحمت
نقاط فرو رفته و برآمده	نزاع و درگیری - مزاحمت	وجود مراکز درمانی	نزاع و درگیری
کمبود و فقدان نور و روشنایی	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	وجود سازمان‌های دولتی (مرکزی) و بانک‌ها	سرقت
نداشتن علائم و تابلوهای شناسایی	کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	وجود پارک و شهرسازی	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت
تناسب ضعیف فیزیکی	کیف‌قاپی - مزاحمت	وجود ورزشگاه و باشگاه‌های ورزشی	نزاع و درگیری - مزاحمت

ویژگی‌های فیزیکی	رفتار خشونت‌آمیز	ویژگی‌های اجتماعی	رفتار خشونت‌آمیز
عدم تفکیک فضای عمومی و خصوصی	سرقت - مزاحمت	وجود مترو	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت
ضعیف بودن ارتباط با فضاهای مجاور	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت	وجود ایستگاه‌های اتوبوس	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت
متروکه بودن	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - مزاحمت	وجود ایستگاه‌های تاکسی	نزاع و درگیری - کیف‌قاپی - سرقت - مزاحمت

بر اساس آنچه در جدول مشاهده می‌شود اکثر فضاها به تفکیک نوع خشونت غالب، اغلب دارای ویژگی‌های مشترک هستند، اما در چندین مورد نیز دارای تفاوت هستند. در این رابطه می‌توان گفت بی‌نظمی فیزیکی از ویژگی‌هایی می‌باشد که فضاهای دارای سرقت را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند.

تراکم ساختمانی از ویژگی‌هایی می‌باشد که فضاهای دارای مزاحمت را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند؛ نداشتن مرز و محدوده مشخص از ویژگی‌هایی می‌باشد که فضاهای دارای کیف‌قاپی را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند؛ محاط بودگی و محصوریت و مجاورت با فضاهای نمایان از ویژگی‌هایی می‌باشند که فضاهای دارای نزاع و درگیری را از دیگر فضاها تفکیک می‌کنند؛ وجود سازمان‌های دولتی (مرکزی) و بانک‌ها از ویژگی‌های می‌باشد که فضاهای دارای سرقت را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند؛ وجود مدارس از ویژگی‌هایی می‌باشد که فضاهای دارای مزاحمت را از دیگر فضاها تفکیک می‌کنند؛ وجود مراکز درمانی از ویژگی‌هایی می‌باشد که فضاهای دارای نزاع و درگیری را از دیگر فضاها تفکیک می‌کند و کمی ارتباط مردم با فضا از ویژگی‌هایی می‌باشند که فضاهای دارای کیف‌قاپی را از دیگر فضاها تفکیک می‌کنند.

مشاهده عوامل اصلی در زمینه ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی نشان می‌دهد که ۱۰ عامل عمومی، ۸ عامل نیمه عمومی، ۱۱ عامل نیمه اختصاصی و ۹ عامل نیز اختصاصی هستند. بر این اساس عوامل نیمه اختصاصی بیشترین تعداد عوامل اصلی را تشکیل می‌دهند و عوامل عمومی و اختصاصی نیز در رده‌های بعدی قرار دارند. مقایسه عوامل عمومی بر اساس فضاهای فیزیکی و اجتماعی نشان می‌دهد که از میان ۱۰ عامل، ۵ عامل متعلق به دسته فیزیکی بوده، ۵ عامل نیز اجتماعی هستند. همچنین، مقایسه عوامل نیمه عمومی نیز نشان می‌دهند که از میان ۸ عامل، ۴



عامل اجتماعی و ۴ عامل فیزیکی هستند که عوامل برابر هستند. مقایسه ۱۱ عامل نیمه اختصاصی نشان می‌دهد که ۶ عامل فیزیکی و ۵ عامل اجتماعی هستند. همچنین مقایسه ۹ عامل اختصاصی نشان می‌دهد که ۵ عامل فیزیکی و ۴ عامل اجتماعی هستند؛ این امر نشان‌دهنده آن است که اکثر عوامل فیزیکی مختص فضای خاصی هستند و فضاها از نظر فیزیکی با یکدیگر متفاوت‌اند. در این دسته‌بندی، عامل‌های نیمه اختصاصی در مجموع و بدون توجه به نوع خشونت، تأثیر و نقش بیشتری نسبت به دیگر عوامل در بی‌دفاع کردن فضاها برای وقوع خشونت دارند و عوامل عمومی نیز در مجموع نقش و تأثیر بیشتری نسبت به عامل‌های نیمه عمومی و اختصاصی و نقش و تأثیر کمتری نسبت به عامل‌های نیمه اختصاصی در بی‌دفاع کردن فضاها دارند. همچنین عوامل عمومی با توجه به نوع خشونت دارای تأثیر و نقش چندانی نیستند. به بیانی دیگر، فضاها را مستعد نوع خاصی از خشونت نمی‌کنند، بلکه فضاها را «بدون توجه به نوع خشونت» بی‌دفاع می‌کنند. همچنین، عوامل نیمه عمومی نیز در سطح و شدت کمتر مانند عوامل عمومی عمل می‌کنند، اما عوامل اختصاصی دارای نقش و تأثیر زیادی در بی‌دفاع کردن فضاها «نسبت به نوع خاصی از خشونت» هستند و فضاها را بیشتر از آنکه فقط مستعد خشونت سازند، مستعد «نوع خاصی از خشونت» می‌سازند و موجب تفاوت نوع خشونت‌های حادث شده در فضاهای مختلف می‌شوند. همچنین، عوامل نیمه اختصاصی نیز در سطح و شدت کمتر، مانند عوامل اختصاصی عمل می‌کنند؛ بنابر این، عوامل عمومی و نیمه عمومی اصلی شدت دهنده به بی‌دفاع بودن فضاها هستند و عوامل نیمه اختصاصی و اختصاصی اصلی جهت دهنده به بی‌دفاع شدن فضاها به نوع خاصی از خشونت هستند. به تفکیک رفتارهای خشونت‌آمیز نیز می‌توان عنوان نمود که فضاهای دارای سرقت، ۱۰ عامل اصلی دارند که از میان آن‌ها ۵ عامل فیزیکی و ۵ عامل اجتماعی هستند؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی فیزیکی در فضاهای دارای سرقت، مساوی با عوامل اجتماعی می‌باشد که این نشان‌دهنده آن است که وقوع سرقت، ضمن نیاز به ویژگی فیزیکی فضای بی‌دفاع به ویژگی اجتماعی این فضاها نیز نیاز دارد و این عوامل با همدیگر در مستعد کردن فضاها برای وقوع سرقت نقش دارند. فضاهای دارای کیف‌قاپی، ۷ عامل اصلی دارند که از میان آن‌ها ۴ عامل فیزیکی و ۳ عامل اجتماعی هستند همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی فیزیکی در فضاهای دارای کیف‌قاپی، بیشتر از عوامل اجتماعی می‌باشد که این نشان‌دهنده آن است که وقوع

کیف‌قاپی ضمن نیاز به ویژگی اجتماعی فضای بی‌دفاع به ویژگی فیزیکی این فضاها بیشتر نیاز دارد و این عوامل فیزیکی در مُستعد کردن فضاها برای وقوع کیف‌قاپی نقش مؤثری دارند.

فضاهای دارای مزاحمت، ۹ عامل اصلی دارند که از میان آن‌ها ۵ عامل فیزیکی و ۴ عامل اجتماعی هستند همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی فیزیکی در فضاهای دارای مزاحمت، بیشتر از عوامل اجتماعی می‌باشد که این نشان‌دهنده آن است که وقوع مزاحمت ضمن نیاز به ویژگی اجتماعی فضای بی‌دفاع به ویژگی فیزیکی این فضاها بیشتر نیاز دارد و این عوامل فیزیکی در مُستعد کردن فضاها برای وقوع مزاحمت نقش مؤثری دارند. فضاهای دارای نزاع و درگیری، ۱۲ عامل اصلی دارند که از میان آن‌ها ۴ عامل فیزیکی و ۸ عامل اجتماعی هستند همان‌طور که مشاهده می‌شود، عوامل اصلی اجتماعی در فضاهای دارای نزاع و درگیری، بیشتر از عوامل فیزیکی می‌باشد که این نشان‌دهنده آن است که وقوع نزاع و درگیری ضمن نیاز به ویژگی فیزیکی فضای بی‌دفاع به ویژگی و شرایط اجتماعی این فضاها بیشتر نیاز دارد و این عوامل اجتماعی در مُستعد کردن فضاها برای وقوع نزاع و درگیری نقش مؤثری دارند.

طبق یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت که در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری مؤثرند و نظریاتی که تنها بر یک بُعد از ویژگی‌های فضاهای بی‌دفاع برای کنترل خشونت توجه کرده‌اند (چه فیزیکی، چه اجتماعی) نمی‌توانند کلیت فضاهای بی‌دفاع را به‌طور متناسب نشان داده و سبب کاهش خشونت شوند؛ بنابر این، نظریاتی که بر هر دو بُعد توجه کرده‌اند، کلیت فضاهای بی‌دفاع را بهتر نشان می‌دهند. از سوی دیگر، نظریات تک بُعدی نیز تنها با توجه به نوع خشونت می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. در بی‌دفاع شدن فضاها هر دو بُعد تأثیر دارند، اما در مقام مقایسه با توجه به نتایج به‌دست آمده بر حسب نوع خشونت‌های بررسی شده، عوامل اجتماعی بیشتر از عوامل فیزیکی فضاها را برای وقوع مزاحمت بی‌دفاع می‌کنند. همچنین، عوامل اجتماعی نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای وقوع کیف‌قاپی و نزاع و درگیری دارند، اما عوامل فیزیکی نقش بیشتری در مُستعد کردن فضاها برای وقوع سرقت دارند؛ بنابراین، راهکارهای معطوف به کاهش خشونت از طریق طراحی شهری باید بر هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاها، به‌طور هم‌زمان توجه کند تا بتواند بیشترین تأثیر را بر کاهش خشونت و جرائم از طریق طراحی شهری و مداخله در محیط اطراف بگذارد.

۴. ارتباط بین مهاجرت و وقوع رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع

۴-۱. توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب طول دوره مهاجرت

جدول ۳: توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب طول دوره مهاجرت

نوع جرم	سرقت	مزاحمت	کیف‌قاپی	نزاع و درگیری	کل فراوانی	درصد فراوانی	ویژگی جمعیتی
کمتر از ۵ سال	۵۲	۱۷	۲۸	۲۳	۱۲۲	۴۸/۳۸	طول دوره مهاجرت
۵ تا ۹ سال	۲۴	۱۰	۱۰	۵	۴۹	۱۹/۷۵	
۱۰ تا ۱۴ سال	۸	۵	۵	۴	۲۲	۸/۸۷	
۱۵ تا ۱۹ سال	۸	۸	۴	۳	۲۳	۹/۲۷	
۲۰ تا ۲۴ سال	۶	۲	۲	۲	۱۲	۴/۸۳	
۲۵ تا ۲۹ سال	۶	۱	۶	۱	۱۴	۵/۶۴	
۳۰ سال و بالاتر	۴	۲	۱	۱	۸	۳/۲۲	

توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب طول دوره مهاجرت در مجرمین متفاوت است. بر این اساس بیشترین فراوانی جرم سرقت در مهاجرین با طول دوره مهاجرت کمتر از ۵ سال رخ داده است. همچنین در رده دوم افراد با طول دوره مهاجرت ۵ تا ۹ سال قرار دارند. توزیع فراوانی جرم سرقت بر حسب طول دوره مهاجرت نشان می‌دهد که هرچقدر طول دوره مهاجرت در افراد افزایش پیدا می‌کند میزان ارتکاب سرقت نیز کاهش پیدا می‌نماید. همچنین در مهاجرین با طول دوره مهاجرت کمتر از ۵ سال جرائم مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری نیز بیشتر از سایر افراد با طول دوره مهاجرت بیشتر رخ داده است. این نشان می‌دهد که افراد در ۵ سال اول مهاجرت خود به شهر تهران بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع هستند. کمترین ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز نیز مربوط به افراد با طول دوره مهاجرت ۳۰ سال و بالاتر

است که نشان می‌دهد مهاجرین با طول دوره مهاجرت بیشتر کمتر مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شوند. بیشترین رفتار خشونت‌آمیز در بین مهاجرین با طول دوره مهاجرت کمتر از ۵ سال با فراوانی ۴۸/۳۸ رخ داده است.

۴-۲. توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب مبدأ مهاجرت

جدول ۴: توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب مبدأ مهاجرت

نوع جرم ویژگی جمعیتی	سرقت	مزاحمت	کیف‌قاپی	نزاع و درگیری	کل فراوانی	درصد فراوانی
مبدأ مهاجرت	شهرستان	۵۷	۲۳	۲۶	۱۲۵	۵۰/۴۰
	شهر	۳۴	۱۳	۲۳	۸۲	۳۳/۰۶
	روستا	۱۷	۸	۷	۴۱	۱۶/۵۳

توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب مبدأ مهاجرت در مجرمین متفاوت است. بر این اساس بیشترین فراوانی جرم سرقت در مهاجرین با مبدأ مهاجرت شهرستان رخ داده است. همچنین در رده دوم افراد با مبدأ مهاجرت شهر قرار دارند. توزیع فراوانی جرم سرقت بر حسب مبدأ مهاجرت نشان می‌دهد که افرادی که قبلاً ساکن روستا بوده و به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند کمتر از سایر مهاجرین مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شوند و بیشتر مرتکب سرقت و نزاع و درگیری گردیده‌اند. می‌توان گفت یکی از علل بالا بودن فراوانی نزاع و درگیری در این افراد قابلیت انطباق‌پذیری کم این افراد با زندگی شهری باشد. افراد با مبدأ مهاجرت شهرستان در تمامی رفتارهای خشونت‌آمیز دارای فراوانی بیشتر از سایر مهاجرین هستند. در افراد با مبدأ مهاجرت شهر بیشتر سرقت و کیف‌قاپی رخ داده است. در مجموع افراد با مبدأ مهاجرت شهرستان بیشتر از سایر مهاجرین مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز شده و با فراوانی ۵۰/۴۰ در رتبه اول قرار دارند در رتبه دوم افراد با مبدأ مهاجرت شهر و در رتبه سوم افراد با مبدأ مهاجرت روستا قرار دارند که نشان می‌دهد هرچقدر افراد مهاجر از شهرستان‌ها به تهران مهاجرت کنند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع می‌گردند.



۴-۳. توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب علت مهاجرت

جدول ۵: توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب علت مهاجرت

نوع جرم ویژگی جمعیتی	سرقت	مزاحمت	کیف‌قاپی	نزاع و درگیری	کل فراوانی	درصد فراوانی
کسب شغل	۱۷	۷	۷	۷	۳۸	۱۵/۳۲
درآمد بیشتر	۶۷	۲۷	۳۱	۱۹	۱۴۴	۵۸/۰۶
ازدواج	۱	۳	۳	۱	۸	۳/۲۲
با خانواده	۱۵	۶	۸	۵	۳۴	۱۳/۷۰
تحصیلات	۸	۲	۷	۷	۲۴	۹/۶۷

توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب علت مهاجرت در مجرمین متفاوت است. بر این اساس بیشترین فراوانی جرم سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری در مهاجرین با علت مهاجرت کسب درآمد بیشتر رخ داده است. همچنین در رده دوم افراد با علت مهاجرت کسب شغل قرار دارند. توزیع فراوانی جرم سرقت بر حسب علت مهاجرت نشان می‌دهد که افراد با هدف کسب درآمد بیشتر که به تهران مهاجرت می‌کنند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در شهر تهران و در فضاهای بی‌دفاع هستند و افراد با هدف ادامه تحصیل و هدف ازدواج کمتر مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شوند. افرادی که به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرده‌اند بیشتر مرتکب سرقت و کیف‌قاپی شده‌اند.

در مجموع با کسب فراوانی ۵۸/۰۶ افراد با هدف کسب درآمد بیشتر در رتبه اول ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهر تهران قرار دارند و در رتبه دوم مهاجرین با هدف کسب شغل قرار دارند. بیشتر این افراد عنوان کرده‌اند که بعد از ناکامی در کسب شغل با درآمد بالا به رفتارهای خشونت‌آمیز گرایش پیدا کرده‌اند.

۴-۴. توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب نوع مهاجرت

جدول ۶: توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب نوع مهاجرت

درصد فراوانی	کل فراوانی	نزاع و درگیری	کیف‌قاپی	مزاحمت	سرقت	نوع جرم و ویژگی جمعیتی	
						فردی	نوع مهاجرت
۷۳/۳۸	۱۸۲	۲۶	۴۳	۳۳	۸۰	خانوادگی	
۱۴/۱۱	۳۵	۱۰	۷	۵	۱۳	سایر	
۹	۲۱	۳	۶	۷	۵		

توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب نوع مهاجرت در مجرمین متفاوت است. بر این اساس بیشترین فراوانی جرم سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری در مهاجرین با نوع مهاجرت فردی بیشتر رخ داده است. همچنین در رده دوم افراد با نوع مهاجرت خانوادگی قرار دارند. افراد با نوع مهاجرت‌هایی مانند مهاجرت گروهی (ورزشکاران)، تحصیلی و ... کمتر از سایر مهاجرین مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز شده‌اند و با کسب ۷۳/۳۸ درصد فراوانی‌ها بیشترین ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز مربوط به افراد با نوع مهاجرت فردی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه نهایی پژوهش می‌توان عنوان نمود که امروزه با توجه به گسترش بسیاری از ناهنجاریها، بزهکاری‌ها، رفتارهای خشونت‌آمیز، جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهرهای کشور، ارزیابی و بررسی عوامل تأثیرگذار بر این آسیب‌ها با عنوان مسائل اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه ویژگی‌های مجرمین رفتارهای خشونت‌آمیز می‌باشد که در این میان مهاجر بودن این افراد می‌تواند حائز اهمیت باشد. شکل‌گیری جرائم مختلف از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز در سطح شهرها به نظر با طی مراحل تبدیل از یک موضوع اجتماعی و حقوقی به مسئله و بعد به معضل و در نتیجه گستردگی به آسیب اجتماعی می‌تواند زنگ خطری برای نهادهای متولی برقراری امنیت شهروندان و ارگان‌های مرتبط با آن باشد. در این میان با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیت



فزاینده‌ای دارد. از آنجا که امنیت، مؤلفه‌ای اساسی در توسعه و محیط اجتماعی به شمار می‌رود و باید علاوه بر بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی، به جستجوی راه‌های مؤثر در شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و جلوگیری از شکل‌گیری و رشد فضاهای ناامن یا جرم‌خیز و بی‌دفاع شهری به عنوان مسئله اصلی نیز پرداخت.

با توجه به راهکارهای مختلف کاهش جرائم و خشونت‌ها در جامعه به نظر با تأثیر گذاردن بر محیط فیزیکی و موقعیت بزه‌کار و بزه دیده، با هدف دشوار یا سلب نمودن امکان وقوع جرم و کاستن جاذبه‌های محیطی بزه‌کار می‌توان از آمار جرائم و بسیاری از آسیب‌ها کاست. اینکه افرادی که مرتکب جرائم مختلف از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز به‌ویژه در فضاهای بی‌دفاع شهری می‌گردند دارای چه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند (سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد، نوع شغل) می‌باشند و این افراد، مهاجر بوده یا غیر مهاجر نیز می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. مسلماً دستیابی به اطلاعات دقیق در خصوص مرتکبین رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهری ضمن اینکه می‌تواند به عنوان مسئله‌ای اساسی مطرح باشد، کمک شایانی به برنامه‌ریزان و متولیان امنیت شهری خواهد نمود. در این میان مهاجر بودن این افراد و مواردی همچون مبدا مهاجرت، طول دوره مهاجرت، علت مهاجرت و نوع مهاجرت (فردی، خانوادگی) در این تحقیق مورد بحث و بررسی علمی قرار گرفت. در نتیجه می‌توان عنوان نمود که برخی از شاخص‌های مهاجرت بر افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز در شهر تهران تأثیر گذارند. از جمله اینکه بین مبدا مهاجرت و ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهری در تهران رابطه معناداری وجود دارد. یعنی اینکه مهاجرین از خاستگاه شهری، روستایی و یا شهرستان به تهران مهاجرت کرده‌اند در ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز مانند سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری با همدیگر تفاوت دارند. همچنین بین طول دوره مهاجرت و ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع شهری رابطه معناداری وجود دارد به این معنی که هر چقدر سال‌های اقامت در تهران افزایش پیدا می‌کند احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع افزایش می‌یابد.

در نتیجه نهایی پژوهش می‌توان عنوان کرد که مهاجرت و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد بر ارتکاب جرائم و رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع در شهر تهران مؤثر هستند و افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز را با افزایش طول دوره مهاجرت شاهد هستیم. همچنین می‌توان گفت که

توزیع رفتارهای خشونت‌آمیز بر حسب چهار عامل اصلی جمعیت‌شناختی (طول دوره مهاجرت، علت مهاجرت، مبدأ مهاجرت و نوع مهاجرت) در مجرمین متفاوت است همان‌گونه که عنوان شد در مهاجرین با طول دوره مهاجرت کمتر از ۵ سال جرائم سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری نیز بیشتر از سایر افراد با طول دوره مهاجرت بیشتر رخ داده است. این نشان می‌دهد که افراد در ۵ سال اول مهاجرت خود به شهر تهران بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع هستند و با اقامت بیشتر و طولانی مدت در شهر تهران و به دلایلی مانند کسب شغل و تشکیل خانواده و انطباق بیشتر با زندگی در شهر تهران کمتر مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع می‌گردند. همچنین بیشترین فراوانی جرائم سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری در مهاجرین با مبدأ مهاجرت شهرستان رخ داده است. که نشان می‌دهد هرچقدر افراد مهاجر از شهرستان‌ها به تهران مهاجرت کنند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در فضاهای بی‌دفاع می‌گردند؛ توزیع فراوانی رفتارهای خشونت‌آمیز نشان می‌دهد افرادی که قبلاً ساکن روستا بوده و به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند کمتر از سایر مهاجرین مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز شده و بیشتر مرتکب سرقت و نزاع و درگیری گردیده‌اند. می‌توان گفت یکی از علل بالا بودن فراوانی نزاع و درگیری در این افراد قابلیت انطباق‌پذیری کم این افراد با زندگی شهری می‌باشد.

بر اساس نتایج می‌توان گفت بیشترین فراوانی جرم سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری در مهاجرین با علت مهاجرت کسب درآمد بیشتر رخ داده است. همچنین در رده دوم افراد با علت مهاجرت کسب شغل قرار دارند. بنابر این می‌توان گفت افرادی که با هدف کسب درآمد بیشتر که به تهران مهاجرت می‌کنند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در شهر تهران و در فضاهای بی‌دفاع هستند و افراد با هدف ادامه تحصیل و هدف ازدواج کمتر مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شوند. همچنین بیشترین فراوانی جرم سرقت، مزاحمت، کیف‌قاپی و نزاع و درگیری در مهاجرین با نوع مهاجرت فردی بیشتر رخ داده است و می‌توان عنوان کرد جرائم سرقت، کیف‌قاپی، مزاحمت و نزاع و درگیری در افرادی که عنوان نموده‌اند از مهاجرت خود در حد زیادی رضایت دارند بیشتر از سایرین می‌باشد. این مسئله نشان می‌دهد که مهاجرین مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز از مهاجرت خود به شهر تهران رضایت زیادی دارند. بر این اساس می‌توان گفت که این افراد بعد از آزادی از زندان و بازداشت نیز تمایلی به برگشت به شهر



خود(خاستگاه اولیه/ مبدأ مهاجرت) را نداشته و ممکن است دوباره مرتکب رفتارهای آمیز گردند چرا که به دلایلی مانند کسب درآمد و ناامیدی از کسب شغل در مبدأ مهاجرت در تهران می مانند. در نهایت می توان گفت که افرادی که با تحصیلات پایین (بی سواد و سیکل) و با مبدأ مهاجرت شهرستان و علت مهاجرت کسب درآمد بیشتر و نوع مهاجرت فردی که به شهر تهران مهاجرت می کنند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز(سرقت، کیف قاپی، مزاحمت و نزاع و درگیری) بوده و با افزایش طول دوره مهاجرتشان (بالتر از ۵ سال) میزان ارتکاب جرم در آنها کاهش پیدا می کند و در مجموع جرم سرقت بیشتر از سایر جرائم در مهاجرین رخ می دهد.

فهرست منابع

- افتخاری، علی (۱۳۷۹). *فضاهای بی‌دفاع شهری و امنیت اجتماعی*، نظر زعیم، تهران.
- بحرینی، حسین (۱۳۸۶). *معنی و سازگاری در طراحی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پودراتچی، مصطفی. (۱۳۹۱). *فضاهای بدون دفاع*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- جیکوبز، جین (۱۳۹۰). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران.
- قلیچ، مرتضی؛ عماری، حسن (۱۳۹۲). *درآمدی بر فضاهای بی‌دفاع شهری*، چاپ اول، تهران، نشر تیسرا.
- کرلینجر، فرد (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات زعیم.
- لنگ، جان. (۱۳۸۳). *آفرینش نظریه معماری*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ قهرمانی، سهراب (۱۳۹۰). *فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران)*، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، شماره ۴.
- میرحسینی، زهرا (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰). *روانشناسی محیط*، تهران: انتشارات بهشتی، چاپ دوم.
- فلیک، یو (۱۳۸۲). *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*، ترجمه عبدالرسول جمشیدیان، سیدعلی سیادت و رضا علی نوروزی، نشر سماء قلم.
- نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۵). *زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری در شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دفتر امور زنان وزارت کشور.
- نایی، هوشنگ؛ سروستانی، صدیق (۱۳۹۰). *نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز*، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۱.

References

- Newman, Oscar. (1993). Creating Defensible Space. u. s. Department of housing and urban development.
- Cozens, P. Hillier, D & Prescott. (2002), Defensible space, Community safety, the British city and the Active Citizen: Penetrating the Criminal Mind. Crime Prevention and Community safety: An Introduction Journal. Pp: 7-21.